

باسمه تعالی

لزوم مقابله با

تحریر

لزوم مقابله با تحریف

مقدمه

از ابتدای بعثت انبیاء و دعوت مردم به دین، همواره زورمداران و مستکبرین وقتی نتوانستند در برابر موج دین‌خواهی مردم - که یک امر فطری^۱ بوده است - بایستند، برای ادامه‌ی حکومت خود بر مردم و فرو بردن آنان در جهالت، اصل دین را به‌ظاهر پذیرفته ولی دست به تحریف آن زده‌اند و حقایق دینی را وارونه جلوه دادند.

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این‌باره فرموده‌اند:

«همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می‌کند و راه را عوضی نشان می‌دهد. اگر بتواند بگوید "دین را کنار بگذار"، این کار را می‌کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می‌کند که نشانه‌های دین را عوضی بگذارد؛ مثل این‌که شما در جاده‌ای حرکت می‌کنید، ببینید آن سنگ نشان - آن نشانه‌ی راهنما - طرفی را نشان می‌دهد؛ در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است.»^۲

برای مسلمانان مشهودترین این اعمال، تحریف محتوای کتاب‌های آسمانی مثل تورات و انجیل است. ولی متأسفانه از تحریفاتی که در دنیای اسلام صورت گرفته است غافل مانده‌اند. تحریفاتی که اسلام را از یک دین پیشرو و هدایتگر که موجب سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها می‌گردد، تبدیل به مذهبی خنثی نموده است. تاجایی که حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه، به‌عنوان منادی هدایت انسان‌ها در قرن اخیر، اسلام را به دو بخش اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اسلام امریکایی تقسیم فرمودند و بارها در خصوص انحراف اسلام امریکایی تذکر دادند.

۱. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ - يس
روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛
دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار. (روم/۳۰)

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم‌الحرام - ۱۳۷۸/۰۱/۲۳

اسلام ناب و اسلام امریکایی در فرمایشات امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

حضرت امام خمینی در خصوص ترویج اسلام امریکایی توسط وهابیت فرموده‌اند: «مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآلهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه "اسلام امریکایی" را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهان‌خوار، می‌گذارند.»^۱

همچنین در تعریف اسلام امریکایی فرمودند:

«مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرنه‌گان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان، و در یک کلمه، اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.»^۲

در خصوص لزوم تبیین اسلام ناب نیز فرمودند:

«راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین "اسلام امریکایی" و "اسلام ناب محمدی" و اسلام پابرنه‌گان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسین، در میان ما بود.»^۳

۱. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۸۰ - پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۱ - پیام به ملت ایران (حفظ شئون اسلامی و اخلاقی در تبلیغات کاندیداها)

۳. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۲۰ - پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان (شهادت سید عارف حسین حسینی)

« باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای مآبی^۱ و تاجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است.»^۲

پیچیدگی توطئه‌های دشمنان اسلام ناب بسیار است. آن‌ها گاهی از همین مسئله لزوم مبارزه با انحراف، برای ایجاد انحراف و گمراهی استفاده می‌نمایند. رهبر کبیر انقلاب در این باره فرموده‌اند:

« امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. این‌ها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ این‌ها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود.»^۳

بزرگ‌ترین مظهر شرک

تحریف مبانی دینی، و وارونه کردن دستور خداوند از مظاهر شرک است. حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی درباره‌ی تحریف بزرگ جدایی دنیا از آخرت، آن‌را بزرگ‌ترین مظهر شرک نامیده و فرموده‌اند:

« از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت، و زندگی مادی از عبادت، و دین از سیاست است. گویی خدای دنیا - معاذالله - جباران و زورگویان و

۱. لغت مآب ریشه عربی دارد و به معنی بازگشت است. در مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی) آمده است: «گفته می‌شود- آب، اوبأ، ایابأ، و مآبأ، خدای فرماید: (إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ- ۲۵/ غاشیه) یعنی بازگشت‌شان به سوی ما است، و آیه (فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ مآبًا- ۳۹/ نبأ) که مآب- اسم مکان، اسم زمان و مصدر از- اوب- است، خدای فرماید: (وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمآبِ- ۱۴/ آل عمران) یعنی توبه و بازگشتن نیکو به پیشگاه خدای تعالی است.» و در ظاهر وقتی رفتار کسی به موضوعی بازگشت کند از کلمه مآب استفاده می‌شود. در این‌جا ظاهراً این است که مقصود مقدس‌مآبی بوده یعنی کسانی که ادعای تقدی دارند ولی از تقدس بهره‌ای نبرده‌اند.

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۴۳

۳. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۸۷ - پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)

چپاولگران و ابرقدرت‌ها و جنایتکارانند، و استضعاف و استعباد و استثمار خلیق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده‌ی بی‌مه‌ار آنان تسلیم باشند و اعتراض نکنند؛ چرا که وعاظ السلاطین و نوادگان "بلعم باعورا" فریاد برخوانند آورد که دخالت در سیاست کردید، و اسلام را چه به سیاست؟!

این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. آن چه جای تأسف است، این که سال‌ها غفلت مسلمین و مهجور ماندن قرآن سبب شد که دست‌های تحریف بتوانند به نام دین، هر سخن باطلی را در اذهان جای داده و بدیهی‌ترین اصل دین خدا را منکر شوند و شرک را جامه‌ی توحید پوشانده و مضمون آیات قرآن را بی‌دغدغه انکار کنند، و در حالی که قرآن اقامه‌ی قسط را هدف از ارسال رسل می‌داند.^۱

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» (حدید/۲۵) و در حالی که با خطاب «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ - کاملاً قیام به عدالت کنید.» (نساء/۱۳۵) همه‌ی مؤمنین را موظف به تلاش برای اقامه‌ی قسط می‌کند، و در حالی که آیات کریمه‌ی قرآن، اعتماد به ستمگران را ممنوع می‌سازد و به پیروان خود می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ - بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد.» (هود/۱۱۳) و گردن نهادن به ظلم طاغوت را منافی با ایمان می‌شمرد و می‌گوید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ - آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه از کتاب‌های آسمانی (که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند.» (نساء/۶۰) و کفر به طاغوت را در کنار ایمان به خدا قرار می‌دهد؛ «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى - کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است.» (بقره/۲۵۶) و در حالی که نخستین شعار اسلام، توحید، یعنی نفی همه‌ی قدرت‌های مادی و سیاسی و همه‌ی بت‌های بی‌جان و باجان بود، و در حالی که اولین اقدام پیامبر صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از هجرت، تشکیل حکومت و اداره‌ی سیاسی جامعه بود، و یا دلایل و شواهد فراوان دیگری که بر پیوند دین و سیاست حکم می‌کند، باز کسانی پیدا می‌شوند که بگویند دین از سیاست جداست، و کسانی هم پیدا شدند که این سخن ضد اسلامی را از آنها بپذیرند. - پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۴/۰۴/۱۳۶۸

تحریف هدف مهم دشمن

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی فرموده‌اند:

«یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود. امروز نیز همین‌طور است. امروز هم اگر در داخل کشور کسانی به خاطر خوش کردن دل استکبار و راضی کردن دشمنان اسلام و این ملت و این کشور چیزی بگویند و بنویسند که در آن تحریف اسلام و تاریخ انقلاب و چهره‌های انقلاب باشد، می‌بینید که در دنیا از طرف دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار برای او هورا می‌کشند و او را تشویق می‌کنند! تبیین، موضوع بسیار مهمی است. انسان‌ها تابع بینش و دید خودشان هستند. اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.»^۱

از دشمن انتظاری جز تحریف نیست

طبق فرمایش قرآن بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان یهود و مشرکین هستند:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا - به طور مسلم، دشمن‌ترین

مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت.»

پس از اینان و کسانی که تحت تسلط‌شان هستند جز تحریف حقایق انتظار دیگری نیست.

شهید مطهری می‌فرماید: «در آیه ۷۵ سوره بقره می‌فرماید: "أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ"

مسلمانان! شما طمع بسته‌اید که این‌ها به شما راست بگویند؟ این‌ها همان‌ها هستند که با موسی می‌رفتند، سخن خدا را می‌شنیدند، از همان‌جا که برمی‌گشتند، در میان قوم‌شان که می‌خواستند نقل کنند، زیر و رویش می‌کردند. أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ - آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با این‌که عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟ تحریف هم که می‌کردند نه از باب این‌که نمی‌فهمیدند و عوضی بازگو می‌کردند؛ نه، ملت باهوشی هستند، خوب هم می‌فهمیدند. در عین این‌که خوب می‌فهمیدند مع‌ذکب سخنان را کج می‌کردند، برعکس برای مردم بیان می‌کردند.»^۲

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۰

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۶۸

آفت بزرگ دین

علامه شهید حضرت آیت الله مطهری فرموده‌اند: « تحریف و قلب و بدعت، آفت بزرگ دین است. تحریف، چهره و سیما را عوض می‌کند، خاصیت اصلی را از میان می‌برد، به جای هدایت، ضلالت می‌آورد و به جای تشویق به سوی عمل صالح، مشوق معصیت و گناه می‌شود و به جای فلاح، شقاوت می‌آورد. تحریف، از پشت خنجر زدن است، ضربت غیرمستقیم است که از ضربت مستقیم خطرناک‌تر است. یهودیان که قهرمان تحریف در تاریخ جهان‌اند همیشه ضربت‌های خود را از طریق غیرمستقیم وارد کرده‌اند. علی علیه‌السلام را دوستانه و از طریق تحریف، بهتر و بیشتر می‌شود خراب کرد تا به صورت دشمنانه. قطعاً ضرباتی که از طرف دوستان جاهل علی بر علی وارد شده، از ضربات دشمنانش کاری‌تر و بُرآتر بوده است. تحریف، مبارزه بدون عکس‌العمل است. تحریف، مبارزه است با استفاده از نیروی خود موضوع.»^۱

« خطر تحریف فوق‌العاده زیاد است. تحریف ضربت غیرمستقیم است که از ضربت مستقیم کاری‌تر است. اگر کتابی تحریف بشود، چه تحریف لفظی و چه تحریف معنوی، اگر کتاب هدایت باشد تبدیل به کتاب ضلالت می‌شود، اگر کتاب سعادت باشد تبدیل به کتاب شقاوت می‌شود. اگر کتابی باشد که انسان را رو به بالا می‌برد، در اثر تحریف رو به پایین می‌آورد. اساساً به کلی آن حقیقت را عوض می‌کند؛ نه تنها بدون خاصیت می‌کند، بلکه اثر معکوس می‌بخشد.»^۲

تحریف اهداف قیام امام حسین علیه‌السلام

در میان تحریف‌های مختلفی که علیه اسلام صورت گرفته است، تحریفات عاشورا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام در طول تاریخ باعث زنده نگه‌داشتن اسلام اصیل و لزوم مبارزه با مفساد اجتماعی بوده است. بدیهی است وقتی این حرکت مهم تحریف شده و وارونه جلوه داده شود، انگیزه اصلی حرکت‌های اصلاح‌گرانه از بین رفته و اسلام رو به افول خواهد گذاشت. ولی امر مسلمین جهان در این خصوص فرموده‌اند:

« عزیزان من؛ مؤمنین به حسین بن علی علیه‌السلام! امروز حسین بن علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آن‌که با تحریف، چهره‌ی او را مغشوش نکنند.»^۳

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۶۱۱

۲. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۱۲۳

۳. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۴/۰۳/۰۳

علامه شهید حضرت آیت الله مطهری رحمت الله علیه هم فرموده اند:

« در نقل و بازگو کردن حادثه عاشورا ما هزاران تحریف وارد کرده ایم، هم تحریف های لفظی - یعنی شکلی و ظاهری - راجع به اصل قضایا، مقدمات قضایا، متن و حواشی مطلب، و هم در تفسیر این حادثه... با کمال تأسف این حادثه، هم دچار تحریف های لفظی است و هم دچار تحریف های معنوی... و باز تحریف هایی که می شود، گاهی لافل هماهنگی با اصل مطلب دارد، ولی گاهی تحریف نه تنها کوچک ترین هماهنگی ندارد بلکه قضیه را مسخ و به کلی واژگون می کند، به شکلی در می آورد که به صورت ضد خودش در می آید. باز هم با کمال تأسف باید عرض کنم تحریف هایی که به دست ما مردم در این حادثه صورت گرفته است، همه در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است، در جهت بی خاصیت کردن و بی اثر کردن قضیه بوده است و در این امر، هم گویندگان و علمای امت تقصیر داشته اند و هم مردم.»^۱

« حسین بن علی خودش دلیل نهضتش را بیان کرد... در کمال صراحت می گوید دنیای ما را مفسد گرفته است، امت جدم فاسد شده اند، قیام کردم برای اصلاح، من یک مرد اصلاح طلبم... هدفی جز امر به معروف و نهی از منکر ندارم.»^۲

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۷۰

۲. امام حسین علیه السلام فرمود: «أَبِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ص أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي - من از سر مستی و طغیان و فسادانگیزی و ستمکاری قیام نکردم، تنها برای اصلاح در امت جدم به پا خواستم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم.» - تسلیة المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام) ج ۲ ص ۱۶۰ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۴۴ ص ۳۲۹ - مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸

همچنین فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُنْتَاهَى عَنْهُ لِيُرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَرَمًا - آیا نمی نگرید که به حق عمل نمی شود، و از باطل جلوگیری نمی گردد؟ با این وضع مؤمن باید به لقای خدایش (شهادت) اشتیاق یابد، همانا من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ستمگران را جز ملامت و ناراحتی نمی نگرم.»

زهد الناظر و تنبيه الخاطر ج ۸۸ - مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب) ج ۴ ص ۶۸ - اللهوف علی قتلی الطفوف (ترجمه فهری) ص ۷۹ - كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج ۲ ص ۳۲ - مشیر الأحران ص ۴۴ - تسلیة المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام) ج ۲ ص ۲۷۶ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۴۴ ص ۱۹۲ و ج ۴۴ ص ۳۸۱

آن وقت ما آمدیم... یک چیز دیگری گفتیم. دو تا تحریف معنوی بسیار عجیب در این جا کردیم... یک جا گفتیم حسین بن علی قیام کرد که کشته بشود برای این که کفار گناهان امت باشد... ملت مسلمان خیلی چیزها را ندانسته از دنیای مسیحیت بر ضد اسلام گرفت. یکی همین است... می گویند عیسی به دار رفت و این به دار رفتن عیسی کفار گناه امت شد... فکر نکردیم این حرف مال دنیای مسیحیت است و با روح اسلام سازگار نیست، با سخن حسین سازگار نیست...

تحریف معنوی دومی که از نظر تفسیر و توجیه حادثه کربلا رخ داد این بود که گفتند... یک دستور خصوصی فقط برای او بود... یعنی قابل پیروی نیست. اگر بگویند حسین چنین کرد، تو چنین بکن! می گوید حسین از یک دستور خصوصی پیروی کرد، به ما مربوط نیست...

امام حسین در کمال صراحت فرمود اسلام دینی است که به هیچ مؤمنی - حتی نفرمود به امام - اجازه نمی دهد که در مقابل ظلم و ستم، مفساد و گناه بی تفاوت بماند. امام حسین مکتب به وجود آورد ولی مکتب عملی اسلامی. مکتب او همان مکتب اسلام است، ولی اسلام بیان کرد و حسین عمل کرد.

مکتب عملی اسلام را ماهرانه [تحریف کردیم] برای این که این حادثه را از مکتب بودن خارج کنیم و قهراً از قابل پیروی بودن خارج کنیم. وقتی از مکتب بودن خارج شد، دیگر قابل پیروی نیست. وقتی که قابل پیروی نشد، پس دیگر از حادثه کربلا نمی شود استفاده کرد.

[این] خیانتی است به حسین بن علی علیه السلام. آیا خیانتی از این بالاتر هم در دنیا صورت گرفته است؟»^۱

نمونه تحریف

« شخصی آمد خدمت حضرت صادق علیه السلام و عرض کرد: حدیثی از شما روایت کرده اند، می خواهم بدانم درست است یا نادرست. راجع به ولایت و مسئله عمل است. آیا راست است که شما فرموده اید: " اِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ " یعنی هر وقت معرفت به امامت درست شد هر اندازه و هر چه می خواهی عمل کن. حضرت فرمود: بلی من این جمله را گفته ام. عرض کرد: " وَ اَنْ زَيْ وَ اَنْ سَرَقَ؟ " آیا معنی حرف شما این است که اگر کسی معرفت به امام پیدا کرد هر کاری که دلش می خواهد ولو زنا و یا دزدی بکند؟ تا این جمله را گفت امام برآشفت و فرمود: وای بر شما، شما این جور معنی کلام ما را می فهمید؟! معنی این

جمله‌ای که من گفتم این نیست که شما فهمیده‌اید؛ مقصود من این است که وقتی امام را شناختید و معرفت به امام پیدا کردید، آنگاه هرچه دل‌تان می‌خواهد عمل صالح انجام دهید، برای این که امام را شناخته‌ای و می‌فهمی چه جور عمل صالح انجام دهی، شرط قبول عمل را پیدا کرده‌ای. حالا که امام‌شناس شده‌ای، حالا که علی‌شناس شده‌ای، حالا که حسین‌شناس شده‌ای، هرچه می‌خواهی عمل خیر کن. من کی گفتم وقتی امام را شناختی هر فسق و فجوری را که خواستی انجام بده؟^۱

اصل حدیث نیز چنین است:

« عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرَدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَدِيثُ رُوِيَ لَنَا أَنَّكَ قُلْتَ إِذَا عَرَفْتَ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَقَالَ قَدْ قُلْتَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ وَ إِنْ زَنَّا أَوْ سَرَقْنَا أَوْ شَرِبْنَا الخُمْرَ فَقَالَ لِي إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ اللَّهُ مَا أَنْصَفُونَا أَنْ نَكُونَ أُخْدَانًا بِالْعَمَلِ وَ وَضِعَ عَنْهُمْ إِمَّا قُلْتُ إِذَا عَرَفْتَ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ قَلِيلِ الخَيْرِ وَ كَثِيرِهِ فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْكَ.»^۲

لزوم مبارزه با تحریف

از مطالب گذشته مشخص شد که تحریف امر بسیار خطرناکی برای دین است، به همین دلیل مبارزه با آن نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

ذکر شد که امام خمینی رحمت‌الله علیه فرمودند اگر مرز بین اسلام ناب و اسلام امریکایی توسط حوزه‌های علمیه مشخص شده بود به احتمال بسیار زیاد «سید عارف حسین حسینی» رهبر شیعیان پاکستان به شهادت نمی‌رسید.

درباره‌ی لزوم مبارزه با تحریف حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی فرموده‌اند:

«امروز همه‌ی افراد - چه کسانی که بیانات‌شان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچک‌تر سخنان‌شان مؤثر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیره - مسؤولند و اگر دیدند حقایق و محکمت‌های اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.»^۳

۱. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری - احیای تفکر اسلامی ج ۲۵ ص ۴۴۲)

۲. الکافی (ط. الإسلامیة)، ج ۲، ص ۴۶۴

۳. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۰

همچنین فرموده‌اند:

« نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره‌ی مبارک و منور سیدالشهدا علیه‌الصلاة والسلام، منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.»^۱

شهید مطهری نیز فرموده‌اند: « پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: " اِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَأُظْهِرِ الْعُلَمَاءُ عِلْمَهُمْ وَالْأَفْعَالِيَةَ لَعْنَةُ اللَّهِ " آن‌جا که بدعت‌ها و دروغ‌ها ظاهر می‌شود، آن‌جا که چیزهایی ظاهر می‌شود که در دین نیست، مسائلی پیدا می‌شود که من نگفتم، بر عهده دانایان است که حقایق را بگویند ولو مردم خوش‌شان نمی‌آید. آن کسی که کتمان می‌کند، لعنت خدا بر او باد. بالاتر از این را خود قرآن کریم فرموده است: " اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَا اَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدٰى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّا لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ اُولٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللّٰهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللّٰعِنُوْنَ " (بقره/۱۵۹) آن دانایانی که حقایق را ما گفته‌ایم و آن‌ها می‌دانند، ولی کتمان می‌کنند، می‌پوشانند، اظهار نمی‌کنند، لعنت خدا بر آن‌ها و لعنت هر لعنت‌کننده‌ای بر آن‌ها باد.»^۲

جرح راوی و غیبت واجب

شهید مطهری فرموده است: « می‌دانید که غیبت حرام است، چه غیبت زنده باشد و چه غیبت مرده. ولی غیبت یک مواردی دارد که استثنا شده است یکی از موارد استثنای غیبت که همه‌ی علمای بزرگ مرتکب این غیبت شده‌اند و این غیبت را لازم می‌دانند بلکه احياناً واجب می‌دانند... آن چیزی است که "جرح راوی" می‌نامند. یک کسی حدیث روایت می‌کند، از پیغمبر حدیث روایت می‌کند، از امام حدیث روایت می‌کند، آیا شما فوراً باید قبول کنید؟ نه، باید تحقیق کنید که این چگونه آدمی است؟ راست‌گو است یا دروغ‌گو؟ اگر در زندگی او یک نقطه ضعیفی - عیبی، نقصی، دروغی، فسقی - را کشف کردید، این‌جا بر شما نه تنها جایز است، بلکه لازم است در متن کتاب‌ها این آدم را رسوا کنید، بگویید فلان کس، مثلاً اسحق بن احمدی نه‌اندی، که فلان روایت را مثلاً روایت شهربانو را ولو در کافی نقل کرده است، یک آدم جعل و وضاع و دروغ‌گویی بوده است. او را در مقابل تاریخ باید رسوا کنید. این کار اسمش "جرح" است. با این‌که غیبت و بدگویی است و غیبت و بدگویی نه از مرده جایز است و نه از زنده، ولی در این‌جا که پای تحریف و قلب حقایق است باید شما دروغ‌گو را رسوا کنید.»^۳

۱. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳

۲. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۱ ص ۵۴

۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۱۳۱

۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۱۳۲

خداوند عزوجل در آیه ۹۴ سوره حجر می‌فرماید:

« فَاصْنَعِ بِمَا تُؤْمَرُ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ - آن‌چه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از

مشرکان روی گردان (و به آن‌ها اعتنا نکن)!

در تفسیر نمونه درباره‌ی این آیه آمده است:

« فرمان قاطعی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهد و می‌گوید: در برابر هیاهوی مشرکان و مجرمان نه تنها ضعف و ترس و سستی به خود راه مده و ساکت مباش، بلکه " آشکار آن‌چه را مأموریت داری بیان کن " و حقایق دین را با صراحت برملا ساز»^۱

حجت‌السلام والمسلمین قرائتی نیز در بخش پیام‌های این آیه می‌نویسد:

مبلغ نباید به هیاهوی مخالفان اعتنا کند. «وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۲

عوام هم مسئولند

« شخصی از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه شریفه: " وَ مِنْهُمْ اٰمِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ الْكِتَابَ اِلَّا اٰمَانِيًّا " (بقره/۷۸) که خدا از عوام یهود در آن‌جا انتقاد می‌کند، سؤال می‌کند عوام چه مسؤولیتی دارند؟ امام فرمود: بعضی از مسائل است که بشر به فطرت سلیم آن را درک می‌کند. این دیگر مدرسه و کتاب و معلم نمی‌خواهد، سلامت عقل کافی است. بعد امام مثال زد، فرمود این‌که یک عالمی مردم را به زهد و تقوا دعوت کند ولی همان‌که مردم را به زهد و تقوا دعوت می‌کند خودش بر خلاف زهد و تقوا عمل کند، و مردم عوام هم این‌ها را ببینند که می‌گویند و بر ضد گفته خودشان عمل می‌کنند، آیا آیین آدم باید درس خوانده و معلم دیده باشد و کلاس طی کرده باشد تا بفهمد که یک چنین آدمی لایق پیروی نیست؟ عوام یهود این‌ها را به چشم خودشان می‌دیدند و به عقل خودشان درک می‌کردند، "و اضْطَرُّوا بِمَعَارِفِ قُلُوْبِهِمْ"^۳ با یک معرفت فکری این را درک می‌کردند که از چنین کسانی نباید پیروی کرد، معذک پیروی می‌کردند، پس مسئولند.»^۴

۱. تفسیر نمونه ج ۱۱ ص ۱۴۰

۲. تفسیر نور ج ۴ ص ۴۸۳

۳. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۲۹۹

۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷ ص ۱۲۲ - با تلخیص